



## رژیم صهیونیستی بزرگترین خطر برای بشریت است

یک تحلیلگر یهودی با اشاره به نژادگرایی و برتری‌طلبی صهیونیسم و زرادخانه‌های رژیم صهیونیستی تاکید کرد برای بشریت هیچ خطری بزرگتر از اسرائیل و لابی‌های آن وجود ندارد...

یک تحلیلگر یهودی با اشاره به نژادگرایی و برتری‌طلبی صهیونیسم و زرادخانه‌های رژیم صهیونیستی تاکید کرد برای بشریت هیچ خطری بزرگتر از اسرائیل و لابی‌های آن وجود ندارد.

به گزارش فارس، "گیلعاد آزمون" با درج مقاله‌ای با عنوان "از فریب تا انتقام: تفسیر رویای صهیونیسم" در پایگاه خبری تحلیلی "خانه شفاف‌سازی اطلاعات"، نوشته است: صهیونیسم اولیه در واقع یک رویای امید بخش در مورد تغییر شکل "یهودیان" به "انسان‌هایی متمدن، آبرومند و معتبر" بود. بنیانگذاران صهیونیسم از مفاهیم "ملتی مثل تمامی ملت‌های دیگر" و "کشوری در میان دیگر کشورها" الهام گرفته بودند. مطالعه آثار صهیونیست‌های نخستین، مثل "نوردانو"، "بوروکوف" و "گرودون"، با ارجاعات بسیار تحقیرآمیز به شخصیت و هویت یهودی باعث می‌شود که ایدئولوژی نازی تا حدودی لیرال به نظر برسد.

آزمون با دعوت به تأمل بیشتر در مورد این رویای صهیونیستی می‌افزاید: ممکن است تعجب آور باشد که چه نوع مردمی در رویای "انسان شدن" هستند. می‌توان یک مرد یا زن فرانسوی، انگلیسی یا چینی را تصور کرد که در رویای تبدیل شدن به یک "انسان" معمولی است؟ بسادگی می‌توان مردمی ستم‌دیده (مثل فلسطینیان، جنبش‌های حقوق بشری، ضد آپارتاید و ...) را در نظر گرفت که خواستار آن هستند که با آنها برخورد و رفتاری انسانی شود. اما رویای صهیونیست‌ها تا اندازه‌ای متفاوت است. این رویا تنها در مورد آرزوی برابری یا به رسمیت شناخته شدن نیست، تنها در مورد این نیست که با آنها رفتاری مناسب بشود، این رویا در مورد "تغییر شکل خود" آنها نیز هست. در حقیقت، این رویا کلاً درباره یک دگرذیسی معجزه آسا از یک حالت ناسالم "غیر عادی" به یک شکل انسانی نجیب و قابل قبول است.

وی با غیر عادی خواندن اینکه مردمی که به دنبال پروراندن این خواسته باشند که به "مردمی عادی" تبدیل شوند، می‌نویسد: شاید یک راه قابل فهم برای توضیح و تفسیر این رویای غیرعادی این باشد که تصور کنیم کسانی که تسلیم رویای صهیونیستی شده‌اند آن‌هایی هستند که به آن معتقد هستند، و در مورد حالت طبیعی وجود آنها [باید گفت که] در حقیقت ابداً بشر نیستند. می‌توان به درستی تصور کرد که کسانی که رویای بشر شدن را در سر دارند باید متقاعد شوند که بشریت به نوعی دقیقاً آن خصیصه‌ای نیست که ممکن است آنها دارا شوند.

در ادامه این مقاله آمده است: روز گذشته در جریان گفت‌وگویی در Librairie Résistances در پاریس (که یک مسابقه برای جمع آوری پول برای غزه است) از من در مورد برداشتم از "وحشیگری در حال رشد" رژیم صهیونیستی سوال شد، و در مورد اینکه چگونه ممکن است 84 درصد از اسرائیلی‌ها از جنایات و قتل‌عام‌های دسامبر گذشته IDF در غزه حمایت کنند. من در پاسخ گفتم "برای اینکه بفهمیم چگونه این اعمال جنایت‌آمیز اسرائیلی‌ها رخ داده است، تنها کاری که باید انجام دهیم این است که دیدگاه‌های ایدئولوگ‌های نخستین صهیونیست را بررسی و بازخوانی کنیم." ما می‌توانیم بوسیله متفکران صهیونیست از "رویای" آنها و نگرش آنها به برادران هم‌مسلك، آگاه شویم. پایه‌گذاران ناسیونالیسم یهودی مدرن، به نوعی پذیرفته‌اند که چیزی در هویت، فرهنگ و شخصیت یهودی بکلی فاسد شده است. با این حال حقیقتاً معتقدند که این مسئله قابل اصلاح است.

آزمون با بیان اینکه صهیونیسم می‌خواست که یک یهود جدید و یک بشر سودآور متمدن ایجاد کند، آن را یک رویای حماسی و اشتباه خوانده و اظهار می‌دارد: من خود به عنوان یک نوجوان اسرائیلی تسلیم این رویا شدم. من مستعد این اعتقاد بودم که اسرائیل سرزمین تاریخی "من" بوده و پرچمداران کتاب مقدس را به عنوان نیاکان مستقیم خود می‌دانستم. من لاقلاً در مورد مسئله کذایی "نخستین اسرائیلیان" مطمئن بودم که عمل پیوند ایدئولوژیک یک موفقیت بزرگ بوده است. ما، یعنی جوانان بومی اسرائیل مستعد این اعتقاد بودیم که چیزی کمتر از داستان موفقیت "انسان‌های سکولار، اومانیست، متمدن اصلاح شده" نیستیم.

به گفته نویسنده تاریخچه فلسطین، فلسطینیان و واقعه نکبت کاملاً از نسل جدید صهیونیست‌ها مخفی شده بود: ما فلسطینیان را اطراف خود نمی‌دیدیم یا به ندرت از رنج و عذاب آنان یا از آرمان آنان با خبر بودیم. در حقیقت ما کاملاً کور بودیم. همچنین به این باور رسیده بودیم که ارتش ما "انسانی‌ترین ارتش جهان" است. ما با "خاطره پروزی 1967"، که یک آلبوم عکس افسانه‌ای و زمخت بود که هر صهیونیستی آن را در بهترین جای قفسه کتابهایش نگه می‌داشت، بزرگ شده بودیم. در آن کتاب دروغین خوش‌نما، یک سرباز صهیونیست آب خود را به یک اسیر مصری می‌داد. ما آن سرباز را به عنوان نماد حمایت مردم ما از بشردوستی بین‌المللی می‌دانستیم. بدیهی است که ما از این واقعیت وحشتناک آگاه نبودیم که صحرای سینا در حقیقت میدان کشتار صدها اسیر جنگی مصری بوده است. چرا ما این مسائل را نمی‌دانستیم؟ این خود یک سوال بسیار خوب است. پدران ما که در این جنگ، جنگیده بودند باید چیزهایی در مورد این حقایق می‌دانستند، اما آنها سکوت کردند. والدین ما که شاهد کاروان‌های مهاجران فلسطینی در سال 1948 بوده‌اند باید چیزی در مورد "نکبت" بدانند، اما آنها به نوعی سکوت کرده و حقیقت را پیش خود نگاه داشتند. جالب اینکه فقط والدین ما اینگونه نبودند، ما نیز دقیقاً از همین الگو تبعیت کردیم.

هنگامی که ما به حدی از بلوغ رسیدیم و سرباز IDF شدیم، دقیقاً همین کار را انجام دادیم، چشمان ما کور شد (در مورد حادثه سال 1982 در لبنان). و این الگو هرگز تغییر نمی‌کند. بیداری اخلاقی صهیونیستها هرگز اتفاق نیافتاده است. اکنون من استدلال می‌کنم که این مسئله در آینده نیز رخ نخواهد داد. رویای صهیونیستی بیش از حد خوشایند است. پس از بیش از صد سال فریب خیالی اخلاقی، اسرائیلی‌ها کاملاً به یک اعمای اخلاقی رفته‌اند.

این مقاله می‌افزاید: رویای صهیونیستی "تغییر بشرگرایانه" هرگز به واقعیت یا عمل نخواهد رسید. کاملاً برعکس، اسرائیلی‌ها و صهیونیستها آموخته‌اند که از طریق یک منشور فریب‌آمیز تصویری به خود بنگرند. آنها بجای اینکه در واقعیت به افرادی انسان‌گرا تبدیل شوند، در رویایی افراطی یهودی محور خود به "انسان‌گرایانی برجسته" تبدیل شده‌اند.

"فریود" به ما آموخته است که رویا برای این است که خواب را طولانی کند: صدای سوت، گریه بچه یا چک چک آب می‌تواند در رویایی که در خواب می‌بینیم تأثیر گذاشته و ما چرت بزیم. "روای انسان‌گرای اسرائیلی" به همین گونه عمل می‌کند، این رویا برای این است که خواب سنگین صهیونیسم را طولانی کند، برای این است که یهودیان را از جنایاتی که رژیم‌شان به نام آنها انجام می‌دهد دور نگه دارد. اختلالاتی که از "جهان بیرون" وارد [این رویا] می‌شوند، مثل گزارش گلدستون یا انتقادات صحیح و معتبر احمدی‌نژاد، همچون یک "نویز سفید" که از "یهودستیزی بی‌اساس" نشأت گرفته، بر رویای صهیونیست‌ها تأثیر می‌گذارد. گرچه در واقعیت، رژیم یهودی، یک رژیم وحشی بی‌سابقه است، اما در رویای صهیونیست‌ها، این رژیم یک "موضوع متداول" است.

به اعتقاد آزمون هنگام تشریح رویای دگرگون شدن صهیونیست‌ها، باید واقعیت روزانه وحشیگری‌های رژیم صهیونیستی در فلسطین را در نظر داشته باشیم: کشور یهودی علی‌رغم نوید بزرگی که داده شده بود نتوانست، "کشوری مانند دیگر کشورها" شود. بطور مشابه، ملت صهیونیسم دقیقاً "ملتی شبیه دیگر ملت‌ها" نیست چراکه هیچ ملت دیگری کشتار دسته جمعی را تأیید نمی‌کند.

به گفته وی، کشور یهودی که قرار بود جشن تغییر هویت باشد، در عوض به تجسم کامل نشانه‌های وحشت‌آور صهیونیسم که قرار بود التیام یابد، تبدیل شده است: رژیم صهیونیستی که پیش از این قرار بود خود را با دیوارهای گول‌پیکر گتو محاصره کند، آتش و WMD را به روی جمعیت بومی خود باز کرد. رژیم صهیونیستی میلیون‌ها نفر را در اردوگاه‌های اسرا محبوس کرده و آنها را دچار قحطی و گرسنگی کرده است. عجیب اینکه تنها در برابر وحشیگری گسترده این رژیم می‌توان معنای کامل رویای طعنه‌آمیز صهیونیسم برای تغییر انسان‌گرایانه را بطور مناسب فهمید.

گیلعاد آزمون در پایان با بیان اینکه صهیونیسم پروژه‌ای وابسته به خون، نژادگرایانه و بکلی برتری‌طلبانه است، آن را محکوم به فنا دانسته و تأکید می‌کند: رویای صهیونیسم در واقع به یک کابوس ویران‌کننده حقیقی تبدیل شده است. آدمک کشور یهودی هر روز از خواب برمی‌خیزد تا جنایات بیشتر و بیشتری را به نام ملت یهود مرتکب شود. با وجود زرادخانه‌ای با صدها بمب اتمی و انگیزه مذهب خیالی هولوکاست که هیچ چیزی جز انتقام را توصیه نمی‌کند، هیچ خطری بزرگتر از اسرائیل و لابی‌های آن در سراسر جهان برای بشریت، انسان‌گرای و تمدن ما وجود ندارد. تمام آنچه که باید بگویم این است که هشیار باشیم.